

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

مبحث وضع

(اقام وضع)

جلسہ :

۹۱

تاریخ :

۹۰ / ۲ / ۱۰

وضع خاص
موضوع له عام

؟

وضع عام
موضوع له خاص

بحث امروز

وضع عام
موضوع له عام

امکان دارد

وضع خاص
موضوع له خاص

امکان دارد

اشکال مستفاد از کلام محقق بجنوردی
بر «وضع عام؛ موضوع له خاص»

این نوع وضع **ممکن** است.

اما

این نوع وضع، سر از **اشتراک لفظی** در می آورد.

در «**اشتراک لفظی**» یک لفظ برای معانی متعدد وضع می شود:

چه با یک بار وضع کردن و چه با چند بار وضع کردن.

ما می گوئیم

مرحوم شیخنا الاستاذ فاضل لنکرانی :

- **اشتراک لفظی** را پذیرفته است

- به همین جهت این قسم را **بعید** دانسته و **رد** کرده است.

- لزوم اشتراک لفظی **ضرری** به این نوع وضع نمی زند.

- آنچه **بعید است** : جایی است که هزاران وضع، هزاران معنا را برای لفظی واحد وضع کند

- آنچه **بعید نیست** : اگر با یک وضع، معانی متعددی برای لفظ واحدی قرار داده شود

وضع خاص
موضوع له عام

بحث هم اکنون

وضع عام
موضوع له خاص

امکان ندارد
(مگر عام اصولی، کلی
شمرده شود)

وضع عام
موضوع له عام

امکان دارد

وضع خاص
موضوع له خاص

امکان دارد

مرحوم آخوند:
«ممکن نیست»

محقق رشتی:
«ممکن است»

قسم چهارم وضع
(وضع خاص : موضوع له عام)

- واضح، گاهی **معنایی** را ملاحظه می کند و در عین حال همراه با آن، **معنای دیگری** را می یابد
- واضح لفظ را بر همین **معنای اول** می گذارد اما از این جهت که مشتمل بر معنای دیگری است

وقتی زید با تمام **خصوصیات و صفاتی** که دارد (حیوان ناطق، سفید، ..) ملاحظه شد [وضع خاص]:
= در این هنگام وضع به هر چیزی که آن صفت در آن است، **سرایت** می کند

گاهی **علت** اینکه واضح در هنگام وضع، زید را تصور کرده است آن است که زید را به عنوان **مثال برای کلی**
(انسان که در ضمن زید موجود است) لحاظ کرده است

این «وضع خاص؛ موضوع له عام» است.

فرق «وضع عام؛ موضوع له عام» و «وضع خاص؛ موضوع له عام»:

- در «وضع خاص؛ موضوع له عام» = «زید» تصور می شود

- در «وضع عام؛ موضوع له عام» = «مفهوم کلی انسان» تصور می شود

اشکال اول مرحوم قزوینی به مرحوم رشتی

اگر کلی به **تنهایی** قابل ملاحظه است:
چرا آن را به **واسطه** جزئی تصور کنند.
(و ملاحظه مع الواسطه آن، خلاف **حکمت وضع** است)

اگر به **تنهایی** قابل ملاحظه نیست:
در این صورت باید گفت ملاحظه جزئی ما را به ملاحظه کلی **نمی رساند**.
دلیل : ملاحظه جزئی نمی تواند به ما بفهماند که چه چیزی **ذاتی** یا **عرضی** این جزئی است.
(اگر کلی را نمی شناسیم یعنی اگر ذاتیات جزئی را نمی شناسیم و لذاست که نمی توانیم کلی را
مستقلاً ملاحظه کنیم.)

اشکال اول مرحوم قزوینی به مرحوم رشتی

ان قلت : (در فرض ۱)

چرا در «وضع عام ؛ موضوع له خاص» با واسطه کلی، جزئی را موضوع له قرار می دهیم
و خلاف حکمت وضع نیست؟

قلت :

- در آنجا با ملاحظه کلی، تصور اجمالی از جزئی ها حاصل می شود (و همین کافی است)
- چه بسا تصور تفصیلی همه افراد ممکن نیست.

ان قلت : (در فرض ۲)

اینکه «تصور خاص محال است که تصور اجمالی کلی باشد»، در مورد بشر درست است
اما در مورد خداوند چنین نیست بلکه خداوند می تواند جزئی را عنوان کلی قرار دهد.

قلت :

خداوند می تواند کلی را هم ملاحظه کند.

پس چه احتیاجی است که آن را از طریق لحاظ مع الواسطه و اجمالی تصور نماید.